



Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.4.3.9

## Spatial Analysis of the Level of Prosperity in Rural Areas with the Approach of Distributive Justice (Case Study: Villages in the Central Part of Urmia)

Mousa Kamanroudi Kojouri<sup>1</sup>, Taher Parizadi<sup>2\*</sup> & Hojjat Mirzazadeh<sup>3</sup>

1. Associate Professor, Department of Human Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Human Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran

3. Ph. D Student in Geography & urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran

Corresponding author: Email: [parizadi.f@Khu.ac.ir](mailto:parizadi.f@Khu.ac.ir)

Receive Date: 03 May 2019

Accept Date: 16 March 2020

### ABSTRACT

**Introduction:** Justice means benefiting from facilities as much as talent, not at any cost, because justice at any cost causes injustice. Equality-oriented planning should move away from body-oriented and technocratic solutions and move towards participatory policies and give power to local management. From this point of view, the common point of planning and social justice is distributive justice. The basis of the fair distribution of services is to pay attention to the two criteria of accessibility and spatial distribution of services. Recognizing the existing differences between different regions and areas in order to provide suitable programs in line with the aim and with the aim of reducing regional inequalities, is the first step of spatial planning.

**Research aim:** The purpose of this research is to investigate the level of the rural areas in the central part of Urmia city with inputs and facilities and to compare the villages from the point of view of benefiting from facilities and services.

**Methodology:** 55 variables in the form of 6 dimensions (educational-cultural, religious, infrastructure-telecommunications and communication, political-administrative, healthcare, commerce and services) were selected for the study and ranking and leveling of the regions were done with Guttman, Morris, numerical taxonomy and Vicor models.

**Studied Areas:** The geographical scope of this research is the villages of the central part of Urmia city.

**Results:** The service and facilities development indicators, like other development indicators, are not distributed in a balanced manner among the regions and geographical areas in the rural settlements of the third world countries. The villages of the central part of Urmia city are not exempted from this rule and the development gap of these indicators is clearly visible in these villages. In this research, in order to determine the level of development of rural areas in the central part of Urmia city, 55 variables were stratified in the form of six indicators using Gutman, Morris, Numerical Taxonomy, Vicor and Copeland methods. The results obtained from different methods show almost similar results.

**Conclusion:** Finally, according to the different geographical conditions of the region, the obtained results were combined with the Copeland model and the final leveling was done, which shows the difference in wealth at the level of the villages and the lack of distributional justice among them. In this way, Bekshlochai and North Baranduzchai dehstans are placed at the privileged and deprived levels, respectively.

**KEYWORDS:** Regional Inequality, Distributive Justice, Regional Balance, Urmia City



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی

دوره ۱۷، شماره ۴ (پیاپی ۶۱)، زمستان ۱۴۰۱

شاپای چاپی ۰۹۶۸-۲۵۳۵ شاپای الکترونیکی ۰۹۵۵X-۲۵۳۸

<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>

صص. ۸۸۵-۸۹۹

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.4.3.9

مقاله پژوهش

## تحلیل فضایی سطح برخورداری نواحی روستایی با رویکرد عدالت توزیعی (مطالعه موردی: دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه)

موسی کمانرودی کجوری<sup>۱</sup>، طاهر پریزادی<sup>۲\*</sup> و حجت میرزازاده<sup>۳</sup>

۱. دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

\* نویسنده مسئول: Email: tparizadi@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۲۶ اسفند ۱۳۹۸

### چکیده

**مقدمه:** عدالت یعنی بهره‌مندی از امکانات به اندازه استعداد نه به هر قیمتی، چرا که عدالت به هر قیمتی خود موجب بی‌عدالتی می‌شود. برنامه‌ریزی مساوات محور باید از راهکارهای کالبد محور و فن‌سالارانه فاصله گرفته و به سمت سیاست‌های مشارکت جویانه حرکت کند و در آن به مدیریت محلی قدرت دهد. از این منظر، نقطه اشتراک برنامه‌ریزی و عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی است. اساس توزیع عادلانه خدمات نیز توجه به دو معیار قابلیت دستیابی و چگونگی پراکنش فضایی خدمات می‌باشد. شناخت تفاوت‌های موجود میان مناطق و نواحی مختلف به منظور ارائه برنامه‌های مناسب در راستای آمایش و با هدف کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، گام اول برنامه‌ریزی فضایی است.

**هدف:** هدف از این پژوهش بررسی سطح برخورداری نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان ارومیه از نهاده‌ها و امکانات و مقایسه دهستان‌ها از منظر بهره‌مندی از امکانات و خدمات می‌باشد.

**روش‌شناسی تحقیق:** ۵۵ متغیر در قالب ۶ بعد (آموزشی- فرهنگی، مذهبی، زیربنایی- مخابرات و ارتباطات، سیاسی- اداری، بهداشتی درمانی، بازرگانی و خدمات) برای مطالعه انتخاب و با مدل‌های گاتمن، موریس، تاکسونومی عددی و ویکور رتبه‌بندی و سطح‌بندی مناطق انجام شد.

**قلمرو جغرافیایی پژوهش:** قلمرو جغرافیایی این پژوهش، دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه می‌باشد.

**یافته‌ها:** شاخص‌های توسعه خدمات و امکانات همانند سایر شاخص‌های توسعه، در سکونتگاه‌های روستایی کشورهای جهان سوم به صورت متوازن میان مناطق و نواحی جغرافیایی توزیع نشده است. دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و شکاف توسعه این شاخص‌ها در این دهستان‌ها به وضوح قابل مشاهده است. در این پژوهش جهت تعیین سطح توسعه یافتگی دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه ۵۵ متغیر در قالب شش شاخص با استفاده از روش‌های گاتمن، موریس، تاکسونومی عددی، ویکور و کپلند سطح بندی شدند. نتایج بدست آمده از روش‌های مختلف نتایج تقریباً مشابهی را نشان می‌دهند.

**نتایج:** در نهایت با توجه به شرایط جغرافیایی متفاوت منطقه، نتایج بدست آمده با مدل کپلند تلفیق شد و سطح‌بندی نهایی صورت پذیرفت که نشان دهنده تفاوت برخورداری در سطح دهستان‌ها و نبود عدالت توزیعی در میان آنها است. بدین صورت که دهستان بکشلوچای و باراندوزچای شمالی به ترتیب در سطح برخورداری و محروم قرار می‌گیرند. برای کاهش نابرابری‌های مناطق پیشنهادهایی از جمله ایجاد و تقویت مراکز خدمات‌رسانی در سطح دهستان‌ها، ایجاد تعادل و توازن در توزیع خدمات زیربنایی و رونمایی در سطح دهستان‌ها با اولویت دهستان‌های محروم، اولویت سرمایه‌گذاری با بخش‌های محروم و توسعه نواحی محروم ارائه شد.

**کلیدواژه‌ها:** نابرابری منطقه‌ای، عدالت توزیعی، توازن منطقه‌ای، شهرستان ارومیه

## مقدمه

توسعه به عنوان یک مقوله‌ی چند بعدی که ابتدا از سوی اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و جغرافیدانان مورد توجه قرار گرفته‌است، هدف کلیه برنامه‌ریزی‌ها محسوب می‌گردد. توسعه یک فرایند اقتصادی نیست، بلکه فرآیندی چندبعدی است که شامل سازماندهی مجدد و جهت‌دهی اقتصاد و سیستم‌های اجتماعی است (صالح‌پور و افراخته، ۱۳۹۵: ۲۰). با توجه به اینکه هدف غایی توسعه حذف نابرابری‌هاست، پس بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است (Hadder, 2000:105). نابرابری که حاصل عوامل متعددی از جمله اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و طبیعی است، سبب رشد ناهمگون و نامتعادل نواحی و موجب تمرکز نامتعادل و نامناسب در عرصه‌های زیستی می‌شود (امانپور و مدت، ۱۳۹۳: ۳۱). تعادل و همگرایی در مناطق زمانی تحقق می‌یابد که مناطق کمتر توسعه‌یافته و محروم نسبت به مناطق توسعه‌یافته با سرعت توسعه یابند. در غیر این صورت با ادامه روند موجود، تمرکز در مناطق توسعه‌یافته و تشدید توسعه‌نیافتگی را در پی خواهد داشت (Purohit, 2008:206). برنامه‌ریزی توسعه در جوامع مختلف علی‌رغم اهداف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و کالبدی دارای یک هدف برتر و اساسی است و آن عدالت اجتماعی است، شناسایی نقاط محروم و برنامه‌ریزی جهت توسعه آنها همواره به عنوان یک اصل اساسی در جهت تأمین عدالت اجتماعی مورد نظر و توجه برنامه‌ریزان بوده است (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). یکی از اهداف مهم برنامه‌ریزی توسعه، دستیابی به الگویی مناسب برای توزیع منابع، امکانات، و نهاده‌ها و نیز استفاده درست از منابع و قابلیت‌های سرزمین در راستای کاهش نابرابری و عدم تعادل بین مناطق و سکونتگاه‌ها است (YU, 2010:24). پیش‌نیازهای اصلی این برنامه‌ریزی، شناخت دقیق و همه‌جانبه مناطق است. بدین‌سان، برای رفع نابرابری‌ها و دستیابی به توسعه در هر سطحی و با هر هدفی که باشد، نیازمند برنامه‌ریزی کارآمد و اصولی و اجرای دقیق آن است (Aderamo, 2011:65)؛ (ضریفیان و لطیفی، ۱۳۹۶: ۱۳). بنابراین می‌توان گفت که نقطه اشتراک برنامه‌ریزی و عدالت اجتماعی، عدالت‌توزیعی است که با معیارهایی چون: قابلیت دسترسی به خدمات و چگونگی پراکنش فضایی براساس توزیع جمعیت صورت می‌گیرد (داداش‌پور، ۱۳۹۳: ۸). بدین لحاظ توزیع عادلانه امکانات و ثمرات توسعه در میان اکثریت جمعیت از خصیصه‌های مهم اقتصاد پویا و سالم است (مومنی و قهری، ۱۳۹۲: ۱۶). رویکرد برنامه‌ریزی فضایی در پی آن است که محرومیت‌ها را برطرف نماید ولی گاهاً جواب عکس می‌دهد و رفاه و سعادت را به منطقه‌ای اعطاء می‌کند و به سایر مناطق محرومیت نصیب می‌شود. لزوم اصلاح روند توزیع نهاده‌های خدماتی از ضروریات سیستم برنامه‌ریزی فضایی کارآمد است. در کشورهای جهان سوم از جمله ایران این عدم تعادل و توزیع نامناسب خدمات و امکانات به وضوح قابل رؤیت است (ضیائی‌ان فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲). بنابراین، شناخت امکانات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به‌عنوان اولین گام در برنامه‌ریزی توسعه فضایی، می‌تواند به بهبود خدمات‌رسانی و افزایش تعادل و برابری بین سکونتگاه‌ها کم نماید (پریزادی و میرزازاده، ۱۳۹۷: ۱۸۰).

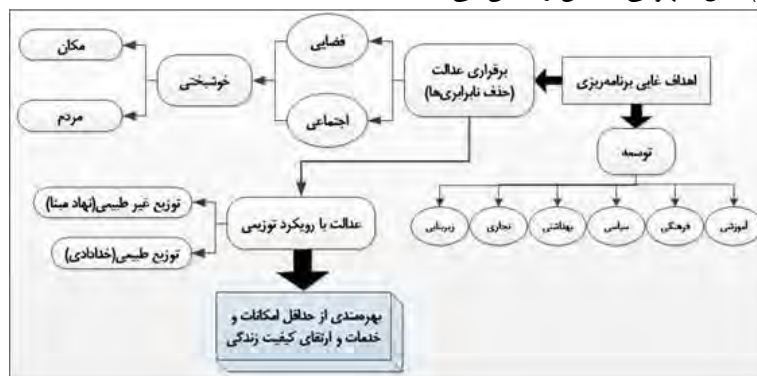
در بخش مرکزی شهرستان ارومیه نیز عدم تعادل و نابرابری در نظام سکونتگاهی روستایی در توزیع امکانات و خدمات، شکاف توسعه بین روستایی را موجب شده که عوامل متعدد طبیعی و سیاسی می‌تواند در نابرابری توسعه روستاهای این بخش دخیل بوده باشد. لذا جهت کاهش نابرابری توسعه و عدم تعادل‌ها شناخت عوامل مؤثر بر توسعه نابرابر روستایی، گام اصلی در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای است. در زمینه‌ی تعیین سطح توسعه‌ی مناطق و توسعه‌یافتگی و بررسی نابرابری‌های بین آن‌ها تحقیقات زیادی انجام شده است که مواردی به اختصار بیان می‌شوند: ظریفیان (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان سنجش و تحلیل فضایی سطح توسعه‌یافتگی دهستان‌های استان همدان با استفاده از تکنیک‌های SAW, TOPSIS و تاکسونومی عددی، به این نتیجه رسیده‌اند که به لحاظ سطح توسعه‌یافتگی، دهستان‌های مهاجران شهرستان بهار، الوند کوه‌غربی شهرستان همدان و گرین شهرستان نهاوند در هر سه روش توسعه یافته‌ترین و دهستان‌های گیان شهرستان نهاوند، کم‌ازان سفلی شهرستان ملایر و گلته شهرستان کبودرآهنگ توسعه‌نیافته‌ترین دهستان‌های استان همدان هستند. نتیجه پژوهش صیدایی و دیگران (۱۳۹۵) با عنوان تحلیل میزان توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌های روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان ابرانشهر)، نمایانگر پایین بودن میزان توسعه‌یافتگی روستایی در بخش مرکزی ابرانشهر یعنی زیر حد متوسط با درجه میانگین ۲/۴۳ است. نظم‌فر (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان تحلیل سطوح توسعه‌روستایی و میزان برخورداری دهستان‌های استان آذربایجان غربی به این نتیجه دست یافته‌اند که از لحاظ توسعه‌یافتگی بین دهستان‌ها تفاوت و نابرابری وجود دارد. افراخته و توفیق‌یان (۱۳۹۴) در تحقیقی دیگر با عنوان تحلیل مکانی - فضایی سطوح توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان بویراحمد، به این نتیجه رسیده‌اند که تفاوت‌های فضایی نسبتاً زیادی در سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی شهرستان وجود دارد؛ به گونه‌ای که میانگین ضریب توسعه‌یافتگی دهستان هوا در

شاخص‌های اقتصادی و بهداشتی - درمانی (۲۸/۰۲ و ۲۵/۲۶) بسیار کمتر از میانگین ضریب توسعه‌یافتگی آموزشی (۵۳/۷) آن است. از مجموع ۱۱ دهستان شهرستان، تنها دهستان سررود جنوبی از سطح توسعه‌یافتگی بالایی برخوردار بود. شمس‌الدینی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر درجه‌بندی شاخص‌های توسعه‌یافتگی در نواحی روستایی، به این نتیجه رسیده که: روستاهای مورد مطالعه به لحاظ درجه برخورداری و توسعه‌یافتگی از سطح بسیار پایینی برخوردارند که این امر سبب مهاجرت روستاییان به شهرهای پیرامون شده است. در این تحقیق سعی بر آن است که با بکارگیری مدل‌های مختلف رتبه‌بندی چند شاخصه (MCDM) سطح برخورداری دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه از لحاظ شاخص‌های (آموزشی - فرهنگی، مذهبی، زیربنایی - مخابرات و ارتباطات، سیاسی - اداری، بهداشتی درمانی، بازرگانی و خدمات) وضعیت جایگاه دهستان‌ها در مقایسه با هم مشخص شوند. که ضمن تحلیل علل محرومیت و بهره‌مندی نواحی روستایی محدوده مورد مطالعه، به بررسی تفاوت در بکارگیری روش‌های مختلف MCDM و نتایج آنها پرداخته شود. عدالت از مفاهیم بسیار اساسی در توسعه پایدار است و توسعه پایدار بدون عدالت امکان تحقق نخواهد یافت، به عبارتی عدالت برای انجام هر عملی که هدف آن ارتقای سطح کیفی زندگی است یک شرط به شمار می‌رود (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴). در واقع هدف از عدالت‌فضایی توزیع عادلانه امکانات، تسهیلات و خدمات شهری در میان مناطق مختلف است (Harvey, 1996:234). هدف اصلی برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و نواحی روستایی دستیابی به الگویی مناسب برای توزیع سکونتگاه‌ها، امکانات و فعالیت‌ها بر اساس ظرفیت‌های سرزمین و فضای جغرافیایی است (تقیلو، ۱۳۹۳: ۴۵).

شناخت و تحلیل فضاهای سکونتی به عنوان بستر استقرار انسان، از اهمیت وافر برخوردار است (صدرموسوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۳۲). توسعه پایدار روستایی جزئی جدا نشدنی از واژه توسعه است که به بهبود زندگی و دستیابی به عدالت اجتماعی می‌انجامد (افتخاری، ۱۳۹۴: ۲۳). اندیشمندان و صاحب‌نظران امر برنامه‌ریزی توسعه ناحیه‌ای و روستایی، هر کدام برای رفع نابرابری‌های ناحیه‌ای و محلی، روابط شهر و روستا را مطابق با موقعیت مکان و زمان تحلیل نموده و راهبردها و راهکارها ارائه داده‌اند. برای ساماندهی روابط شهر و روستا و نیز بین روستاها، انتخاب و تجهیز سلسله مراتبی مراکز خدمات‌رسانی اهمیت خاصی دارد. هدف نهایی باید در راستای تحقق اهداف توسعه، یعنی ارتقاء استانداردهای زندگی، توزیع بهینه درآمد، تغییر ساختاری و حمایت از تعادل ملی باشد (Robinson, 1975:25). در همین راستا می‌توان تاریخچه توجه به عدالت را به سه دوره کلی تقسیم نمود. دوره ابتدایی که از سال‌ها پیش از افلاطون تا دوران معاصر را شامل می‌شود. در این دوران، عدالت همواره موضوعی اساسی و مطرح در بین دانشمندان علوم سیاسی بوده است اما متخصصان علوم شهری از ورود مستقیم به مبحث عدالت خودداری می‌کردند (Fainstein, 2014:1). در دوره میانی پس از تغییر رویکردی که در دانش مطالعات شهری در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به وقوع پیوست؛ متخصصان و متفکرانی که از دیدگاه انتقادی نسبت به شهر برخوردار بودند؛ مباحث اخلاقی را در کارهای خود لحاظ نمودند (Ibid). در طول دوره سوم و از دهه ۱۹۹۰ به بعد، محققان شهری آشکارا شروع به توجه و آدرس دهی به موضوع عدالت کردند. در این میان می‌توان به نظریه‌های برنامه‌ریزی ارتباطی (اینز، هیلی، ساندراکاک، اوایل دهه ۱۹۹۰ تاکنون)، برنامه‌ریزی گفتمانی (فیشر<sup>۱</sup>)، شهر عدالت محور (فاینستاین - کمپل<sup>۲</sup>) و عدالت فضایی (دیکسی<sup>۳</sup>) اشاره داشت (دادش‌پور، ۱۳۹۵: ۶۹). همچنین در این دوره بود که رویکرد عدالت‌فضایی به شکلی صریح از سوی برنامه‌ریزان شهری مطرح شد. عدالت فضایی دارای دو رویکرد اساسی است: ۱. توزیع فضایی که برای دستیابی به یک توزیع برابر جغرافیایی براساس نیازها و خواست شهروندان شکل گرفته است و دیگری ۲. فرایندهای ساختاری که هدف آن بررسی و ارزیابی فرایندهای شکل دهنده به فضا است (Dufaux, 2009). با توجه به توضیحات ارائه شده می‌توان از این دو رویکرد با عنوان عدالت توزیعی نام برد. جان راولز<sup>۴</sup> یکی از مهمترین تئوری‌پردازان عدالت‌توزیعی در غرب می‌باشد. او اصول عدالت خود را بر مبنای ایدئولوژی لیبرالیسم بنا نهاد و توانست تضاد میان سود فردی در لیبرالیسم را با مساوات و برابری اجتماعی در سوسیالیسم حل نماید. شاید بتوان وی را معمار تئوری عدالت اجتماعی نامید. چرا که بعد از انتشار کتاب او با نام "نظریه عدالت" در سال ۱۹۷۱، عدالت اجتماعی و تئوری راولز موضوع غالب در جهان انگلیسی زبان و انگیزه نوشتن حجم عظیمی از معرفی‌ها، بازخوانی‌ها، تفسیرها و نقدها شد (مرصوصی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). وی تئوری عدالت را براساس ایده‌های روشنگری اندیشمندانی چون جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۱۷) و ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸)، که طرفدار

1. Innes
2. Healey
3. Sandercock
4. Fischer
5. Campbell
6. Dikeci
7. John Rawls

نظریه قراردادهای اجتماعی بودند، توسعه داد. نظر راولز در مورد عدالت توزیعی به ساخت جامعه و نهادهای درون آن معطوف است. نهادهای اجتماعی شیوه توزیع منابع را معین می‌کند و قواعد تعیین حقوق، مزایا و انباشت سرمایه را در بردارند. از دیدگاه وی، عدالت صرفاً به رفاه فردی انسان گره خورده است بر خلاف نظریه مطلوب‌گرایان که ملاک را حداکثر شدن مطلوبیت کل افراد می‌دانند. از دیدگاه شهید مطهری عدالت چیزی نیست که با وضع قانون یا توافق جمعی یا رواج و شیوع آن در عرف جاری جامعه، ارزش و اعتبار یافته باشد. منشأ و مبدأ مشروعیت عدالت خود ذات عدالت است نه یک قرارداد و یا توافق اجتماعی و بشری (قلیچ، ۱۳۸۹: ۱۵۲). (شکل ۱) مدل مفهومی تحقیق را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

## روش پژوهش

این پژوهش از منظر هدف، شناختی و به لحاظ ماهیت روش، ارزیابی - مقایسه‌ای محسوب می‌شود و شیوه گردآوری داده‌های آن اسنادی - کتابخانه‌ای است. جامعه آماری تحقیق، دهستان‌های ۹ گانه بخش مرکزی شهرستان ارومیه می‌باشد. برای تعیین سطوح توسعه‌یافتگی با توجه به اهمیت شاخص‌ها و همچنین محدودیت دسترسی به داده‌ها، ۵۵ متغیر در قالب شش بعد (آموزشی - فرهنگی، مذهبی، زیربنایی - مخابراتی و ارتباطات، سیاسی - اداری، بهداشتی درمانی، بازرگانی و خدمات) در نظر گرفته شده است. جهت جمع‌آوری آمار و اطلاعات مرتبط با شاخص‌های مورد بررسی، از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران و اسناد طرح‌های بالادست استفاده شده است. پس از محاسبه شاخص‌ها به تعیین و اندازه‌گیری سطوح برخورداری پرداخته شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تعیین سطوح توسعه‌یافتگی مدل‌های گاتمن، موریس، تاکسونومی عددی، ویکور و برای اطمینان از صحت داده‌های به دست آمده با به کارگیری مدل کپلند ۴ مدل مذکور تلفیق و نتیجه نهایی ارائه شد. برای وزن دهی به معیارها در مدل VIKOR مدل آنتروپی به کار گرفته شده است. همچنین برای انجام عملیات آماری تحقیق با استفاده از نرم افزارهای Excel صورت گرفته و از نرم‌افزار GIS برای نمایش فضایی نتایج استفاده شده است. برای مشخص کردن فرآیند جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تجزیه تحلیل اطلاعات و نتیجه‌گیری متناسب با تکنیک‌های مورد کاربرد، از شاخص‌ها (جدول ۱) و متغیرهای متنوعی به شرح زیر استفاده شده که در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱. شاخص‌ها و متغیرهای مورد استفاده در تحقیق

بُعد	نماگر
آموزشی، فرهنگی و ورزشی	۱. روستا مهد، ۲. دبستان، ۳. مدرسه‌ی راهنمایی پسرانه، ۴. مدرسه‌ی راهنمایی دخترانه، ۵. مدرسه‌ی راهنمایی مختلط، ۶. دبیرستان پسرانه، ۷. دبیرستان دخترانه، ۸. کتابخانه‌ی عمومی، ۹. زمین ورزشی، ۱۰. سالن ورزشی.
مذهبی	۱. مسجد، امامزاده، ۲. سایر اماکن مذهبی مسلمانان، ۳. اماکن مذهبی سایر ادیان.
سیاسی و اداری	۱. شورای اسلامی روستا، ۲. پاسگاه انتظامی، ۳. شورای حل اختلاف، ۴. مرکز خدمات جهاد کشاورزی، ۵. شرکت تعاونی روستایی، ۶. مروج کشاورزی.
زیربنایی - مخابراتی و ارتباطات	۱. برق، ۲. گازلوله‌کشی، ۳. آب لوله‌کشی، ۴. سیستم تصفیه‌ی آب، ۵. صندوق پست، ۶. دفتر پست، ۷. دفتر مخابرات، ۸. دسترسی عمومی به اینترنت، ۹. دسترسی به وسیله‌ی نقلیه عمومی، ۱۰. دسترسی به روزنامه و مجله، ۱۱. دسترسی به ایستگاه راه آهن.
بهداشتی - درمانی	۱. حمام عمومی، ۲. مرکز بهداشتی درمانی، ۳. داروخانه، ۴. خانه‌ی بهداشت، ۵. پزشک، ۶. دندانپزشک، ۷. دندانپزشک تجربی یا دندانساز، ۸. بهیار یا مامای روستایی، ۹. بهداشتیاری، ۱۰. بهوز، ۱۱. دامپزشک، ۱۲. تکنسین دامپزشکی، ۱۳. سامانه جمع‌آوری زباله، ۱۴. آزمایشگاه، ۱۵. غسلخانه، ۱۶. مرکز تسهیلات زایمان.
بازرگانی و خدمات	۱. فروشگاه تعاونی، ۲. بقالی، ۳. نانوا، ۴. گوشت فروشی، ۵. قهوه خانه، ۶. بانک، ۷. تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی و غیر کشاورزی.

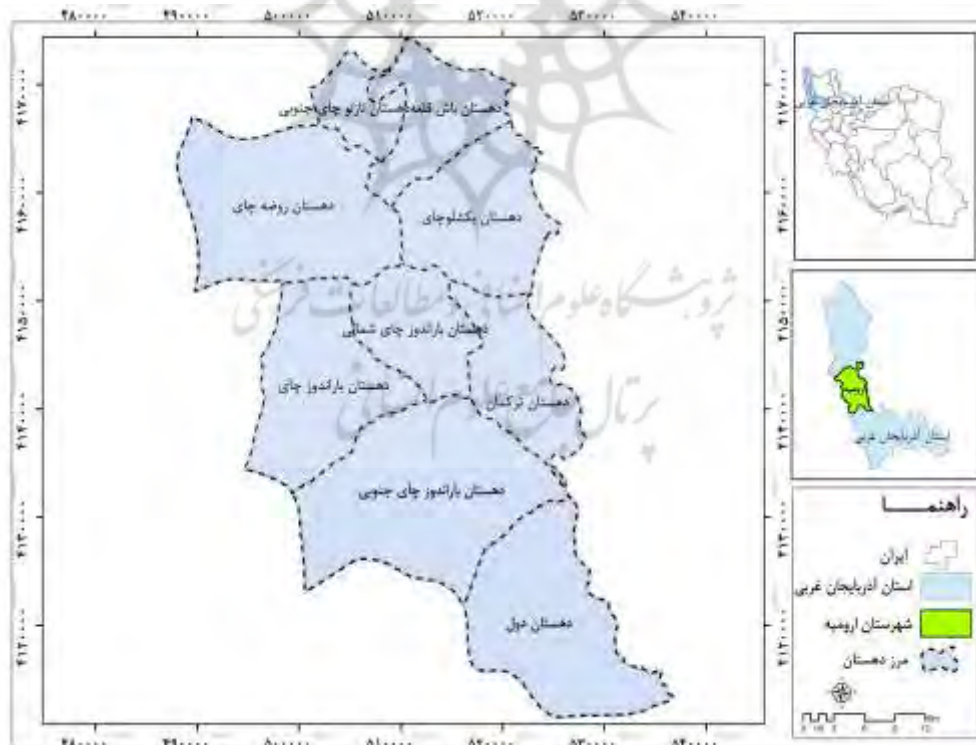
## قلمرو جغرافیایی پژوهش

بخش مرکزی شهرستان ارومیه یکی از بخش‌های تابعه شهرستان ارومیه در استان آذربایجان غربی در شمال غربی ایران است. بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی استان آذربایجان غربی، بخش مرکزی شهرستان ارومیه به ۹ دهستان و ۲۸۱ پارچه آبادی تقسیم شده است (جدول ۲). بخش مرکزی شهرستان ارومیه در جنوب شرقی این شهرستان قرار گرفته است. در این دوره آماری در بخش مرکزی شهرستان ۱۳۸۱۱۸ نفر در قالب ۳۷۸۲۴ خانوار زندگی می‌کنند. مرز تقسیمات سیاسی محدوده دهستان‌ها در (شکل ۲) نشان داده شده است.

جدول ۲. وضعیت دهستان‌های مورد مطالعه

ردیف	دهستان	تعداد جمعیت (۱۳۹۵)	مساحت (Km)	تعداد روستا
۱	باراندوز	۵۹۵۱	۱۸۹۳۴۱	۲۸
۲	باراندوز چای‌جو	۳۴۷۸	۳۰۲۶۲۴	۳۴
۳	باراندوز چای شمالی	۵۶۱۰	۱۰۸۱۸۴	۱۳
۴	باش قلعه	۳۰۰۰	۱۱۰۷۲۰	۴۹
۵	بکشلوچای	۲۲۸۰۹	۱۶۵۷۳۵	۳۴
۶	ترکمان	۲۲۴۸	۱۲۲۰۴۱	۳۷
۷	دول	۲۶۴۴	۲۲۶۵۶۹	۲۲
۸	روضه چای	۳۷۹۵۵	۲۶۳۸۹۱	۳۳
۹	نازلوی جنوبی	۲۷۰۸	۵۴۳۸۰	۳۱
۱۰	باراندوز	۵۹۵۱	۱۸۹۳۴۱	۲۸

منبع: مرکز آمار ایران ۱۳۹۵



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

## یافته‌ها و بحث

## سطح‌بندی دهستان‌های مورد مطالعه از منظر بهره‌مندی از خدمات و نهاده‌ها با استفاده از میزان سنج نهادی گاتمن

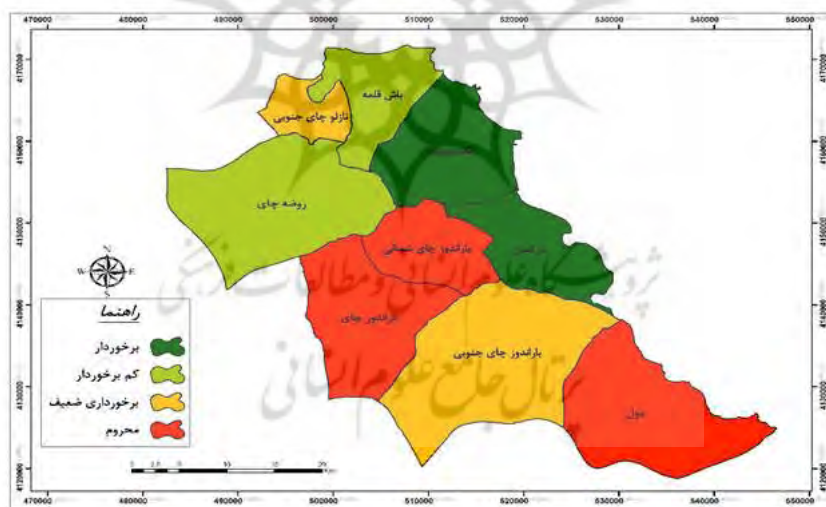
این روش تصویر روشنی را از حضور یا عدم‌حضور مؤسساتی که خدمات را تأمین می‌کنند، به عنوان ضابطه‌ای جهت تشکیل سلسله‌مراتب استفاده می‌کند (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۶: ۵۴). با تکمیل مراحل، میزان سنج نهادی برای تفسیر آماده می‌شود. (جداول ۳ و ۴) سطح‌بندی دهستان‌های بخش مرکزی ارومیه را نشان می‌دهند. همچنین (شکل ۳) که در پایین آورده شده است این سطح‌بندی را بصورت نقشه نمایش می‌دهد.

جدول ۳. سطح‌بندی دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه براساس مدل گاتمن

ردیف	دهستان	سطح توسعه
۱	بکشلوچای	توسعه یافته
۲	ترکمان، روضه چای، باش قلعه	درحال توسعه
۳	نازلوی جنوبی، باراندوز چای جنوبی، باراندوز	کمتر توسعه یافته
۴	دول، باراندوز چای شمالی	محروم

جدول ۴. رتبه بندی دهستان‌ها براساس مدل گاتمن

دهستان	بکشلوچای	ترکمان	روضه چای	باش قلعه	نازلوی جنوبی	باراندوز چای جنوبی	باراندوز	دول	باراندوز چای شمالی
رتبه گاتمن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹



شکل ۳. سطح‌بندی دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه بر اساس مدل گاتمن

با توجه به نتایج حاصل از رتبه‌بندی گاتمن که به لحاظ برخورداری سکونتگاه‌ها از تعداد موسسات و خدمات و امکانات موجود که وجود دارند بدست آمده و سطح‌بندی انجام شده در نقشه بالا نشان می‌دهد که به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات، دهستان‌های ترکمن، بکشلوچای در سطح برخوردار، و دهستان‌های باش قلعه و روضه‌چای در سطح کم برخوردار و بقیه دهستان‌ها در سطح برخوردار ضعیف و محروم قراردارند.

## ب) سطح بندی دهستان های مورد مطالعه از منظر بهره‌مندی از خدمات و نهاده‌ها با استفاده از مدل موریس

برنامه عمران سازمان ملل متحد، الگویی برای درجه بندی نواحی از لحاظ توسعه یافتگی به کار برده که هم جدیدترین الگوی رسمی استفاده شده در سطح جهانی بوده و هم اینکه قابلیت گسترش و جایگزینی آنها در فضاهای مختلف و متنوع قابل اجرا است (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۳۲). این مدل با استفاده از اطلاعات در دسترس، جایگاه توسعه یافتگی هر یک از واحدها را میان سایرین، بر حسب هر یک از شاخص‌های انتخابی با استفاده از شاخص ناموزون موریس و در نهایت میانگین مجموعه شاخص‌ها را با استفاده از روش تحلیل شاخص توسعه به گونه‌ای ساده ولی قابل توجه تعیین و در نهایت به رتبه بندی می‌پردازد (فنی، ۱۳۸۲: ۶۲). فرمول موریس به این شرح است:

$$Y_{ij} = \frac{x_{ij} - x_{imin}}{x_{imax} - x_{jimin}} \times 100 \quad (۱)$$

در فرمول (۱):

$Y_{ij}$ : ضریب ناموزون موریس (شاخص ناموزون برای متغیر  $i$  ام در واحد  $j$  ام)

$X_{ij}$ : عدد مربوط به شاخص

$X_{i \min}$ : کوچکترین عدد در هر ستون

$X_{i \max}$ : بزرگترین عدد در هر ستون

شاخص توسعه یا ضریب نهایی توسعه با استفاده از فرمول زیر به دست می‌آید:

$$D.I = \frac{\sum y_{ij}}{n} \quad (۲)$$

$D.I$  = ضریب نهایی توسعه

$\sum y_{ij}$  = مجموع ضریب‌ها یا شاخص‌های ناموزون موریس برای هر ناحیه

$n$  = تعداد متغیرهای به کار گرفته شده

ضریب شاخص موریس بین صفر تا ۱۰۰ نوسان دارد و هرچه عدد  $D.I$  بزرگتر و به ۱۰۰ نزدیک تر باشد نشان دهنده توسعه یافته تر بودن و برخورداری از امکانات است (آسایش و استعلاجی، ۱۳۸۲). در مرحله دوم تک تک اعداد را با استفاده از فرمول ضریب ناموزون موریس استاندارد کرده و جایگزین اعداد قبل می‌شوند. دامنه محرومیت هر  $i$  ام از هر شاخص  $I$  ام طبق تعریف حداکثر محرومیت (حداقل برخورداری) معادل صفر و حداقل محرومیت (حداکثر برخورداری) معادل صد خواهد بود. در این مرحله با توجه به اعداد به دست آمده از ضریب ناموزون موریس، رتبه بندی انجام می‌گیرد. به گونه‌ای که در مورد هر شاخص و در هر ستون به بزرگترین عدد به دست آمده از ضریب ناموزون موریس، رتبه یک تعلق می‌گیرد و بقیه اعداد به ترتیب رتبه بندی می‌گردند. رتبه یک نشان دهنده آن است که دهستان در شاخص مورد نظر از امکانات بیشتری برخوردار است. بالاترین عدد نشان دهنده کمترین برخورداری از امکانات است. با توجه رتبه‌های بدست آمده از مدل موریس، تفاوت در برخورداری از شاخص‌های مختلف در سطح دهستان‌ها دیده می‌شود که در (جدول ۵) رتبه بندی بر اساس شاخص نهایی توسعه و در (جدول ۶) نیز سطح بندی بر اساس موریس آورده شده است.



جدول ۵. رتبه بندی دهستان‌ها بر اساس شاخص نهایی توسعه D.I

رتبه	دهستان‌های مورد مطالعه	آموزشی - فرهنگی	سازمانی	سازمانی - اداری	سازمانی - خدماتی	سازمانی - فرهنگی	سازمانی - اجتماعی	سازمانی - اقتصادی	سازمانی - سیاسی	سازمانی - اجتماعی	سازمانی - اقتصادی	سازمانی - سیاسی	سازمانی - اجتماعی	سازمانی - اقتصادی	سازمانی - سیاسی	D.I مقدار
۱	باراندوز	۴۴/۱۲	۴	۲۵/۵۸	۶	۸/۲۴	۸	۰	۹	۶	۱۸/۷۵	۵	۱۷/۱۱	۷		
۲	باراندوزچای جنوبی	۳۵/۲۹	۵	۳۹/۵۳	۴	۲۰	۶	۲۰/۲۵	۵	۲۲	۲۶/۲۵	۴	۲۷/۲۲	۵		
۳	باراندوزچای شمالی	۰	۹	۰	۹	۰	۹	۷/۵۹	۷	۳۱/۳۳	۷	۴/۸۲	۹			
۴	باش قلعه	۱۷/۶۵	۷	۳۴/۸۸	۵	۲۸/۲۴	۴	۲۴/۰۵	۴	۵۴/۶۷	۴	۲۹/۰۹	۷			
۵	بکشلوچای	۸۵/۲۹	۲	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱	۹۷/۵۴	۱			
۶	ترکمان	۸۲/۳۵	۳	۶۲/۷۹	۳	۵۱/۷۶	۳	۵۴/۴۳	۳	۷۹/۳۳	۲	۶۲/۶۱	۳			
۷	دول	۸/۸۲	۸	۱۸/۶۰	۸	۲۷/۰۶	۵	۸/۸۶	۶	۰	۱۰	۱۲/۲۲	۸			
۸	روضه چای	۱۰۰	۱	۴۱/۸۶	۳	۵۴/۱۲	۲	۷۸/۴۸	۲	۵۰	۵۶/۲۵	۲	۶۲/۴۵			
۹	نازلوی جنوبی	۲۳/۵۳	۶	۲۰/۹۳	۷	۱۸/۸۲	۷	۶/۳۳	۸	۶۵/۳۳	۳	۲۵/۱۹	۶			

جدول ۶. سطح بندی دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه بر اساس مدل موریس

دهستان	ضریب توسعه یافتگی	سطح توسعه	ردیف
بکشلوچای	بیشتر از ۸۰	توسعه یافته	۱
ترکمان، روضه چای	۶۰-۵۰	در حال توسعه	۲
نازلوی جنوبی، باراندوزچای جنوبی، باش قلعه	۳۰-۲۰	کمتر توسعه	۳
باراندوز، باراندوزچای شمالی، دول	کمتر از ۲۰	محروم	۴

بر اساس نتایج بدست آمده از مطالعه شاخص‌های مورد نظر با استفاده از مدل موریس و مقدار شاخص نهایی توسعه، دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه سطح بندی شدند. با توجه به (جدول ۴)، هر چه مقدار D.I بیشتر باشد به معنی برخورداری بیشتر و هرچه کمتر باشد نبود امکانات را نشان می‌دهد. که دهستان بکشلوچای در سطح توسعه یافته، دهستان‌های ترکمان و روضه چای، در سطح در حال توسعه، دهستان‌های نازلوی جنوبی، باراندوزچای جنوبی و باش قلعه کمتر توسعه یافته و دهستان‌های باراندوز، باراندوزچای شمالی و دول در سطح محروم قرار دارند. دهستان‌های در سطح محروم، معمولاً دارای سکونتگاه‌های روستایی پراکنده و کم جمعیتی هستند که به دلیل بعد مسافت و جمعیت محدود آنها از کمترین خدمات و امکانات بهره‌مندند و دهستان توسعه یافته نسبت به دیگر دهستان‌ها دارای بیشترین امکانات و خدمات، کمترین فاصله، بیشترین جمعیت و غیره هستند.

### ج) سطح بندی دهستان‌های مورد مطالعه از منظر بهره‌مندی از خدمات و نهاده‌ها با استفاده از مدل تاکسونومی عددی

یکی از روش‌های درجه بندی نواحی از لحاظ درجه توسعه یافتگی، روش آنالیز تاکسونومی است. نوع خاصی از این روش، آنالیز تاکسونومی عددی است. که قادر است یک مجموعه را به زیر مجموعه‌های کم و بیش همگن تقسیم کرده، یک مقیاس را که مورد استفاده در امر برنامه‌ریزی باشد برای شناخت درجه توسعه یافتگی ارائه دهد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۳: ۵۲). تکنیک تاکسونومی عددی از معتبرترین روش‌های درجه بندی مناطق از لحاظ توسعه یافتگی و تعیین میزان دسترسی مناطق به امکانات مختلف است (ضریفیان و لطیفی، ۱۳۹۶). به منظور سطح بندی دهستان‌ها با استفاده از این تکنیک، ابتدا ماتریس داده‌ها (n دهستان و m شاخص) تشکیل شد. برای مستقل کردن شاخص‌ها از واحد با استفاده از رابطه ۳ ماتریس داده‌های استاندارد به دست آمد.

$$z = \frac{(x_{ij} = \bar{x}_i)}{s_i} \quad (3)$$

سپس با داشتن ماتریس استاندارد شده (Z) فاصله هر منطقه از سایر مناطق به نسبت شاخص‌های تعیین شده با استفاده از رابطه ۴ محاسبه شد. در این رابطه  $Z_{aj}$  مقدار شاخص زام در منطقه a،  $Z_{bj}$  مقدار شاخص زام در منطقه b و  $D_{ab}$  فاصله مرکب است.

$$D_{ab} = \sqrt{\sum (z_{aj} - z_{bj})^2} \quad (۴)$$

در مرحله بعد مناطق همگن از غیرهمگن از طریق محاسبه حد بالا و پایین با استفاده از رابطه ۵ که در آن میانگین ستون‌ها و  $sd$  انحراف معیار ستون‌ها می‌باشد، محاسبه شد.

$$D = \bar{d} + 2sd \quad (۵)$$

سپس سطح توسعه‌یافتگی مناطق همگن تعیین شد. بدین صورت که بزرگترین عدد در هر یک از ستون‌های ماتریس استاندارد به عنوان نقطه ایده‌آل انتخاب و فاصله مرکب هر نقطه از نقطه ایده‌آل ( $C_{io}$ ) از طریق رابطه ۶ که در آن  $Z_i$  مقادیر موجود در ماتریس استاندارد و  $Z_o$  مقادیر ایده‌آل هر ستون در ماتریس استاندارد شده است به دست آمد.  $C_{io}$  سرمشق توسعه نامیده می‌شود. هر قدر کوچک باشد دال بر توسعه یافتگی آن منطقه است. و هر چه بیشتر باشد دلیل بر عدم توسعه منطقه خواهد بود.

$$C_{io} = \sqrt{\sum (Z_i - Z_o)^2} \quad (۶)$$

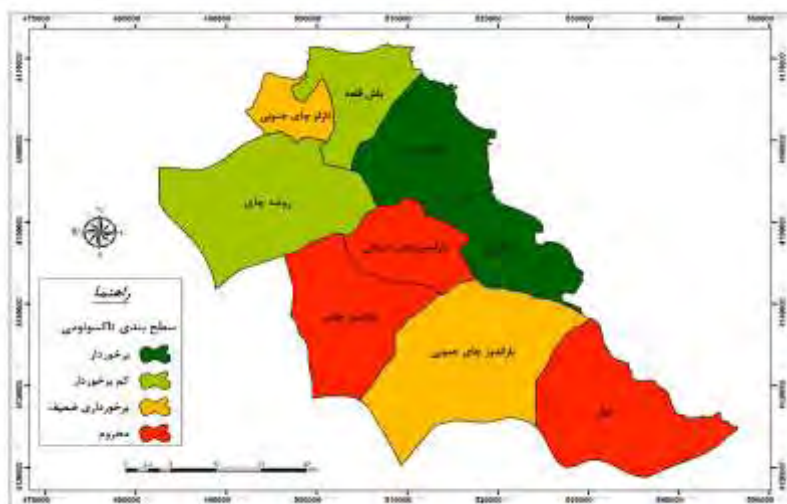
در نهایت با استفاده از روابط ۷ و ۸ درجه توسعه مناطق ( $Fi$ ) محاسبه شد. مقدار  $Fi$  همواره بین صفر و یک است. هرچه میزان آن به صفر نزدیکتر باشد نشان دهنده توسعه یافتگی بیشتر و هرچه به یک نزدیک باشد عدم توسعه یافتگی را نشان می‌دهد. (شکل ۴) هم نقشه سطح بندی دهستان‌ها با استفاده از تاکسونومی عددی را نشان می‌دهد.

$$C_o = C_{io} + 2sd_{io} \quad (۷)$$

$$Fi = \frac{C_{io}}{C_o} \quad (۸)$$

جدول ۷. رتبه بندی دهستان‌های بخش مرکزی با مدل تاکسونومی عددی

دهستان	$C_{io}$	$Fi$	رتبه $Fi$
بکشلوچای	۰/۴۰۳	۰/۰۴۴	۱
ترکمان	۳/۰۸۸	۰/۳۳۵	۲
روضه چای	۳/۲۸۴	۰/۳۵۶	۳
باش قلعه	۵/۴۳۰	۰/۵۸۹	۴
نازلوی جنوبی	۵/۸۴۱	۰/۶۳۳	۵
باراندوزچای جنوبی	۵/۴۹۸	۰/۵۹۶	۶
باراندوز	۶/۳۴۴	۰/۶۸۸	۷
دول	۶/۵۸۲	۰/۷۱۴	۸
باراندوزچای شمالی	۷/۲۵۰	۰/۷۶۸	۹
بکشلوچای	۰/۴۰۳	۰/۰۴۴	۱۰



شکل ۴. سطح‌بندی دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه با مدل تاکسونومی عددی

نتایج حاصل از مدل تاکسونومی عددی و سطح‌بندی انجام شده از دهستان‌های بخش مرکزی در نقشه بالا، نشان می‌دهد که دهستان‌های بکشلوچای و ترکمان در سطح برخوردار، باش‌قلعه و روضه‌چای در سطح کم برخوردار و سایر دهستان‌ها در سطح برخوردار ضعیف و محروم از امکانات و خدمات اولیه‌ای هستند که باید از آنها برخوردار باشند.

#### د) سطح‌بندی دهستان‌های مورد مطالعه از منظر بهره‌مندی از خدمات و نهاده‌ها با استفاده از مدل ویکور<sup>۱</sup>

مرحل اول: پس از جمع‌آوری داده‌ها و ترکیب آنها ماتریس داده‌های خام هر یک از معیارها در محدوده مورد مطالعه تعریف شد. ماتریس تصمیم‌گیری متشکل از گزینه‌ها (سطرها) و معیارها (ستون‌ها) است. گام دوم: محاسبه وزن داده‌ها: در این مرحله پس از نرمال‌سازی ماتریس تصمیم‌گیری این ماتریس با فرمول (۹) نرمال‌سازی می‌شود.

$$r_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m x_{ij}^2}} \quad (9)$$

گام سوم: در این مرحله پس از نرمال‌سازی ماتریس تصمیم‌گیری معیارها وزن دهی، و ماتریس جدید با وزن شاخص‌ها تهیه شد. بدین منظور، روش‌های متعددی مانند AHP و ANP و ... وجود دارد که در این پژوهش روش آنتروپی به کار گرفته شد. گام چهارم: پس از وزن دهی به معیارها ماتریس نرمال شده در وزن به دست آمده ضرب می‌شود و ماتریس نرمال وزنی به دست می‌آید.

گام پنجم: در این مرحله بالاترین ارزش  $f_i^+$  و پایین‌ترین ارزش  $f_i^-$  توابع معیار را از ماتریس تصمیم‌گیری استخراج شده است.

$$F_i^* = \max f_{ij} \quad F_i^- = \min f_{ij} \quad (10)$$

محاسبه شود. بدین منظور ابتدا وزن‌های به دست آمده در آنتروپی در ماتریس تصمیم‌گیری ضرب شده سپس از طریق فرمول زیر  $S_j$  و  $R_j$  به دست آمده است. سطح بندی دهستان‌ها بر اساس مدل ویکور در جدول (۹) آورده شده است.

$$R_j = \max \left[ W_i \frac{F_i^* - F_{ij}}{F_i^* - F_i^-} \right] \quad S_j = \sum_{i=0} W_i \frac{F_i^* - F_j^i}{F_i^* - F_j^-} \quad (11)$$

1. Vikor

گام ششم: بعد از تعیین بالاترین و پایین ترین ارزش معیار باید ارزش S<sub>j</sub> (شاخص مطلوبیت) و R<sub>j</sub> (شاخص ناراضی) گام هفتم: محاسبه شاخص ویکور که همان امتیاز نهایی هرگزینه است. کمتر بودن این شاخص مطلوب تر است و با به کارگیری رابطه زیر به دست می آید.

$$Q = v \frac{S_j - S^-}{S^* - S^-} + (1-v) \frac{R_j - R^-}{R^* - R^-} \tag{۱۲}$$

جدول ۸. مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی پایداری توسعه از دیدگاه پرسکات آلن (ویکور)

ارزش ویکور	۰-۰/۲۰	۰/۴۰-۰/۲۰	۰/۶۰-۰/۴۰	۰/۸۰-۰/۶۰	۱-۰/۸۰
وضعیت برخورداری	کاملاً برخوردار	برخوردار	نیمه برخوردار	برخوردار کم	عدم برخوردار

منبع: یادروندی، ۱۳۹۲

جدول ۹. رتبه بندی دهستان های بخش مرکزی بر اساس مدل ویکور

رتبه	عدد ویکور	دهستان
۴	۰/۲۴۸	بکشلوچای
۸	۰/۹۳۴	ترکمان
۹	۱	روضه چای
۶	۰/۴۰۶	باش قلعه
۵	۰/۲۸۲	نازلوی جنوبی
۷	۰/۴۱۱	باراندوزچای جنوبی
۲	۰/۱۷۹	باراندوز
۳	۰/۲۴۸	دول
۱	۰	باراندوزچای شمالی



شکل ۵. سطح بندی دهستان های بخش مرکزی شهرستان ارومیه بر اساس مدل ویکور

با استفاده از مدل ویکور، وضعیت عدالت فضایی در دهستان های بخش مرکزی شهرستان ارومیه بر اساس شاخص های مورد نظر در این تحقیق بررسی شد. نتایج بدست آمده از مدل ویکور نیز حاکی از آن است که توزیع خدمات و امکانات در بین دهستان ها بصورت عادلانه انجام نگرفته است. بطوری که دهستان های باراندوزچای شمالی، باراندوزچای در سطح برخوردار، دول و بکشلو چای در سطح کم برخوردار، باش قلعه، نازلوی جنوبی و باراندوزچای جنوبی در سطح ضعیف، ترکمان و روضه چای در سطح محروم قرار دارند.

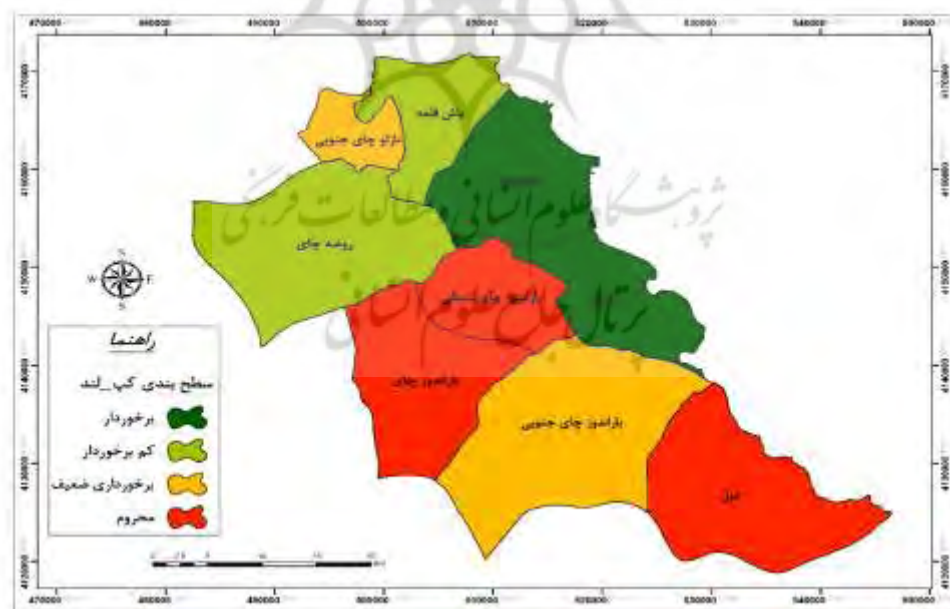
## ه) ترکیب و تصمیم‌گیری نهایی سطوح بهره‌مندی از خدمات و نهاده‌ها با استفاده از مدل کپلند<sup>۱</sup>

با توجه به اینکه نتایج بدست آمده از روش‌های مورد استفاده در تحقیق یکسان نیستند. برای رسیدن به اجماعی کلی در تعیین نابرابری‌های فضایی در توزیع خدمات و امکانات در مناطق سه روش میانگین‌گیری، بردا (Borda) و کپلند (Copeland) مورد استفاده قرار می‌گیرد (پورطاهری، ۱۳۹۴: ۲۲۰). در این مقاله از روش کپلند برای ادغام نتایج استفاده شده است. این روش اصلاح شده روش بردا است با این تفاوت که در اولویت‌بندی علاوه بر تعداد مسلط شدن (مجموع عناصر هر سطر)، تعداد مغلوب شدن (مجموع عناصر هر ستون) نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. یعنی تعداد بردها و باخت‌ها را برای هر معیار مشخص می‌کند. بدین منظور گزینه‌ها بر اساس تفاضل مقادیر تعداد مسلط شدن و تعداد مغلوب شدن اولویت‌بندی می‌شوند (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. نتایج مقایسات زوجی و تعداد بردها و باخت‌های هر عامل

رتبه	$\sum R - \sum C$	مجموع C	باراندوز جای شمالی	دول	باراندوز جنوبی	نازلوی جنوبی	باش قلعه	روضه چای	ترکمان	بکشلو چای	دهستان‌های مورد مطالعه
۱	۸	۸	m	m	m	m	m	m	m	-	بکشلوچای
۲	۶	۷	m	m	m	m	m	m	-	x	ترکمان
۴	۴	۶	m	m	m	m	m	-	x	x	روضه چای
۳	۲	۵	m	m	m	m	-	x	x	x	باش قلعه
۵	۰	۴	m	m	m	-	x	x	x	x	نازلوی جنوبی
۶	-۲	۳	m	m	-	x	x	x	x	x	باراندوزچای جنوبی
۷	-۴	۲	m	-	x	x	x	x	x	x	باراندوز
۸	-۶	۱	m	-	x	x	x	x	x	x	دول
۹	-۸	۰	-	x	x	x	x	x	x	x	باراندوزچای شمالی
			۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	مجموع R

ستون آخر جدول ( $\sum C$ ) تعداد بردها را برای هر منطقه نشان می‌دهد. همچنین سطر آخر ( $\sum R$ ) تعداد باخت‌ها را برای هر معیار نشان می‌دهد. امتیازی که کپلند به هر گزینه می‌دهد با کم کردن تعداد باخت‌ها از تعداد بردها محاسبه می‌شود.



شکل ۶. سطح‌بندی نهایی برخورداری دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه با روش تلفیقی کپلند

## نتیجه گیری

در این تحقیق با توجه به نتایج بدست آمده از این مدل، دهستان بکشلوچای رتبه ۱ و باراندوزچای شمالی رتبه ۹ را به خود اختصاص داده‌اند. که دارای بیشترین تعداد و کمترین تعداد مؤسسات هستند. روش بعدی مورد استفاده در این تحقیق، سطح بندی دهستان‌ها با استفاده از این روش موريس حکايت از آن دارد که دهستان بکشلوچای علاوه بر اینکه در بین دهستان‌ها رتبه ۱ را دارد، غیر از شاخص آموزشی- بهداشتی در بقیه شاخص‌ها هم رتبه ۱ را به خود اختصاص داده است و دهستان باراندوزچای شمالی در بین دهستان‌ها رتبه ۹ و در شاخص‌های مورد بررسی نیز رتبه ۷ و ۹ را دارد. بنابراین مزیت این روش این است که هر منطقه را از نظر شاخص‌های مختلف جداگانه رتبه‌بندی می‌کند.

با استفاده از این روش دهستان‌ها رتبه‌بندی و سطح‌بندی شدند، که دهستان بکشلوچای با ضریب (ضریب توسعه)  $Fi = 0.44$  رتبه یک و دهستان باراندوزچای شمالی با ضریب  $(Fi) = 0.768$  رتبه ۹ را دارند. که به ترتیب در سطح برخورداری و محروم قرار می‌گیرند. و سطح بندی مدل ویکور که روی رتبه‌بندی و بهترین گزینه از میان گروهی از گزینه‌ها تمرکز و جواب‌سازشی برای یک مسئله را به کمک یک معیار متناقض مشخص می‌کند. به نحوی که تصمیم‌گیرنده را به تصمیم نهایی می‌رساند. در این روش با توجه به مقادیر  $S, R, Q$  گزینه‌ها از کوچک به بزرگ مرتب می‌شوند. در نهایت گزینه‌ای که در گروه  $Q$  انتخاب شود به عنوان گزینه برتر خواهد بود. با توجه به نتایج این روش دهستان باراندوزچای شمالی با عدد ویکور بدست آمده صفر رتبه ۱، دهستان روضه چای با عدد ویکور ۱ رتبه ۹ را کسب کرده‌اند.

رویکرد توزیعی در برخورداری از نهاده‌ها به بی‌عدالتی فضایی منتهی شده است، بطوری که در بخشی از دهستان‌های مورد مطالعه به واسطه حضور نهاده‌های توسعه محور خوشبختی (مکان، مردم) ایجاد شده است و به سبب عدم بهره‌مندی در سایر دهستان‌ها محرومیت فضایی ایجاد شده است. رتبه‌بندی دهستان‌ها با توجه به روش کپلند بدین صورت است که: بکشلوچای رتبه ۱، ترکمان رتبه ۲، باش قلعه رتبه ۳، و... باراندوزچای شمالی رتبه ۹ را دارند. پایین بودن میزان توسعه‌یافتگی روستایی منطقه عوامل متعددی دخیل می‌باشند. بسیاری از روستاییان برای کسب معاش و زندگی بهتر به طور موقت و یا گاهی اوقات به طور دائم به مناطق دیگر و به ویژه شهر مهاجرت کرده‌اند. همچنین از آنجا که معیشت غالب در بیشتر روستاهای نمونه مبتنی بر بخش کشاورزی است، به علت رایج بودن نظام سنتی فعالیت و تولید، بازدهی این بخش بسیار پایین است. از دیگر علل پایین بودن توسعه روستایی منطقه می‌توان به شبکه ارتباطی و حمل و نقل ضعیف، فقدان مکانیسم مدیریتی مناسب، کمبود امکانات زیربنایی و رفاهی، مشکلات بهداشت محیط روستا، فقدان دسترسی مناسب به اینترنت و مطبوعات، فقدان مشارکت مؤثر مردم در فرآیند توسعه روستایی اشاره نمود. قرارگیری بسیاری از روستاها در مسیر راه‌های ارتباطی بین شهری یا مسیر راه‌های فرعی بین روستایی و بن بست در توسعه روستایی نقش مؤثر ایفا کرده است. فاصله روستاها با شهر و با مراکز دهستان و نوع راه دسترسی بر سطح توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌های روستایی تأثیرگذار است. زیرا هر چه موقعیت ارتباطی روستاها مناسبتر و فاصله با مراکز شهری و خدماتی کمتر شده، میزان دسترسی به امکانات خدماتی و رفاهی بهتر و دستیابی به فرصت‌های جدید بیشتر شده است. این قضیه در رابطه با نوع راه دسترسی نیز صادق است. مرکزیت خدماتی و سیاسی نیز به دلیل توجه بیشتر دولت‌ها به روستاهای مرکزی و پرجمعیت و تجهیز آنها به امکانات زیربنایی و خدماتی و کم توجهی به روستاهای اقماری و حاشیه‌ای بر میزان توسعه روستایی در حد بالایی مؤثر واقع شده است. از علل تأثیر میزان جمعیت بر توسعه روستایی بایستی به نقش دولت در برخورداری روستاها از امکانات و خدمات براساس شاخص جمعیت اشاره کرد.

شاخص‌های توسعه خدمات و امکانات همانند سایر شاخص‌های توسعه، در سکونتگاه‌های روستایی کشورهای جهان سوم به صورت متوازن میان مناطق و نواحی جغرافیایی توزیع نشده است. دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و شکاف توسعه این شاخص‌ها در این دهستان‌ها به وضوح قابل مشاهده است. در مجموع می‌توان گفت که از آنجایی که در برنامه‌ریزی مهمترین اقدام در درجه اول، تعیین هدف است، بر مبنای شناخت و آگاهی از وضعیت موجود نواحی و مناطق و درجه‌بندی آنها از لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات، نواحی محروم و کم برخورداری از مواهب توسعه در اولویت برنامه‌های محرومیت‌زدایی قرار گیرند. در این پژوهش جهت تعیین سطح توسعه یافتگی دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه ۵۵ متغیر در قالب شش شاخص با استفاده از روش‌های گاتمن، موريس، تاکسونومی‌عددی، ویکور و کپلند سطح بندی شدند. نتایج بدست آمده از روش‌های مختلف نتایج تقریباً مشابهی را نشان می‌دهند. برای رسیدن به یک نتیجه جامع، نتایج روش‌ها به کار

گرفته شده در مدل کپلند تلفیق شد. براساس نتایج کپلند، صورت گرفته دهستان بکشلوچای با رتبه ۱ در سطح برخوردار، دهستان ترکمان با رتبه ۲ و باش قلعه با رتبه ۳، در سطح کم برخوردار، روضه چای با رتبه ۴، نازلوی جنوبی با رتبه ۵، باراندوزچای جنوبی رتبه ۶، در سطح برخوردار ضعیف، دهستان‌های باراندوز، دول و باراندوزچای شمالی به ترتیب با رتبه‌های ۷، ۸ و ۹ در سطح محروم قرار گرفته‌اند. این در حالی است که نحوه توزیع فضایی شاخص‌های مختلف در دهستان‌ها متفاوت است. هر دهستان در بعضی از شاخص‌ها از برخورداری بیشتری نسبت به بقیه قرار دارد. بدین صورت که، در سطح شاخص آموزشی، بهداشتی و ورزشی، دهستان روضه چای در سطح برخوردار، دهستان‌های باراندوزچای، ترکمان و بکشلوچای در سطح برخوردار متوسط، دهستان‌های نازلویچای، باش قلعه و باراندوزچای جنوبی کمتر برخوردار و دهستان‌های دول و باراندوزچای شمالی در سطح محروم قرار دارند. در زمینه شاخص مذهبی، دهستان بکشلوچای برخوردار، دهستان‌های ترکمان، باراندوزچای جنوبی و روضه چای برخوردار متوسط، دهستان‌های نازلویچای، باش قلعه و باراندوزچای کمتر برخوردار، دهستان‌های باراندوزچای شمالی و دول در محرومیت از نظر شاخص مذهبی هستند. در شاخص اداری - سیاسی، دهستان بکشلوچای برخوردار، روضه چای، ترکمان و باش قلعه برخوردار متوسط، دهستان‌های باراندوزچای جنوبی، نازلوی جنوبی کمتر برخوردار، و دهستان‌های باراندوزچای شمالی و باراندوزچای محروم هستند. در شاخص بازرگانی - خدماتی، دهستان بکشلوچای برخوردار، روضه چای، ترکمان و باش قلعه برخوردار متوسط، دهستان‌های باراندوزچای شمالی، باراندوزچای جنوبی و دول کمتر برخوردار، دهستان‌های باراندوزچای و نازلوی جنوبی در سطح محروم قرار دارند. در شاخص بهداشتی - درمانی، دهستان بکشلوچای برخوردار، روضه چای، ترکمان و باراندوزچای جنوبی برخوردار متوسط، نازلوی جنوبی، باش قلعه و باراندوزچای کمتر برخوردار، دهستان‌های دول و باراندوزچای شمالی عدم برخوردار هستند. در شاخص زیربنایی - ارتباطی، دهستان بکشلوچای برخوردار، ترکمان، نازلوی جنوبی، باش قلعه برخوردار متوسط، باراندوزچای شمالی، باراندوزچای جنوبی، روضه چای کمتر برخوردار، دهستان‌های دول و باراندوزچای در سطح عدم برخوردار قرار دارند. عدالت حداقل از لحاظ توزیعی که به طور گسترده پذیرفته شده است، هدف لازم برنامه ریزی است، اما به تنهایی کافی نیست. تعادل منطقه‌ای به معنای توزیع عادلانه امکانات، زیرساخت‌ها و فرصت‌های شغلی، آموزشی و پیشرفت و توزیع متناسب جمعیت و حفظ ساختارهای اجتماعی این مناطق می‌باشد که در صورت عدم تعادل، برهم خوردگی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی منطقه را به همراه خواهد داشت که یکی از نتایج آن تولید و بازتولید بی‌عدالتی فزاینده است. بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده از ضریب توسعه‌یافتگی دهستان‌ها، میزان برخورداری از شمال به جنوب و از شرق به غرب با دور شدن از مرکز شهری کاسته می‌شود. بنابراین مجاورت و فاصله با مراکز شهری، نواحی صنعتی، کانون‌ها و محورهای اصلی توسعه نقش مؤثری در سطوح برخورداری دهستان‌ها داشته است. همچنین عوامل محیطی از جمله داشتن موقعیت‌های متفاوت (کوهستانی، دشتی و ...)، ناهمواری و شیب زمین تا حدودی بر فعالیت‌های روستایی به ویژه در بخش کشاورزی و نیز جهت آب رسانی به روستاها تأثیرگذار بوده و از این طریق توسعه یافتگی روستایی را تحت تأثیر قرار داده است. قرار گرفتن در انزوای جغرافیایی که این امر باعث ایجاد نارسایی در خدمات رسانی به این نواحی شده است.

## تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مستقل بوده و بدون حمایت مالی سازمانی انجام شده است.

## منابع

- امانیپور، سعید، و مودت، الیاس. (۱۳۹۳). سنجش و رتبه‌بندی توسعه و فقر در استان خوزستان. *مطالعات و برنامه‌ریزی شهری*، (۱)، ۱۳۲-۱۱۳.
- آسایش، حسین، و استیلاجی، علیرضا. (۱۳۸۲). *اصول و روش‌های منطقه‌ای (مدل‌ها، روش‌ها و فنون)*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی شهر ری.
- پریزادی، طاهر و میرزازاده، حجت. (۱۳۹۷). توسعه منطقه‌ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی. *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۸ (۵۰)، ۱۹۸-۱۷۹.
- پورطاهری، مهدی. (۱۳۹۵). کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چند ویژگی در جغرافیا. (ویرایش ۴)، تهران: انتشارات جانبی.
- تقیلو، علی اکبر. (۱۳۹۳). تحلیل علی توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان ارومیه. *برنامه‌ریزی منطقه ای مردوست*، ۴ (۱۵)، ۱۰۲-۸۵.

- حکمت‌نیا، حسن، و موسوی، میرنجف. (۱۳۹۶). کاربرد الگو در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و منطقه ای. تهران: انتشارات آزاد پیا.
- حکمت‌نیا، حسن، و موسوی، میرنجف. (۱۳۸۳). بررسی روند تغییرات سطوح توسعه یافتگی و نابرابری های منطقه‌ای استان یزد. طرح پژوهشی دانشگاه پیام نور، منطقه ۴.
- حسین‌زاده دلیر، کریم. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی منطقه‌ای. چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- داداش پور، هاشم، و الوندی پور، نینا. (۱۳۹۵). عدالت شهری در ایران فرا بررسی مقالات برگزیده چارچوب نظری. مجله هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۳(۳)، ۶۷-۸۰.
- رکن‌الدین‌افشاری، عبدالرضا؛ محمودی، سمیرا، غفاری، غلامرضا و پورطاهری، مهدی. (۱۳۹۵). تبیین الگوی فضایی سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار روستایی مورد: روستاهای استان خراسان رضوی. فصلنامه اقتصاد فضای روستایی، ۴(۱)، ۱۰۷-۸۷.
- صال‌پور، شمسی و افراخته، حسن. (۱۳۹۵). تحلیل سطح توسعه خدمات بهداشتی - درمانی از منظر عدالت فضایی (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های روستایی استان آذربایجان غربی). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۱(۳۶)، ۳۸-۱۹.
- صدرموسوی، میرستار؛ طالبی‌فرد، رضا و نیازی، چیا. (۱۳۹۶). بررسی نقش عوامل طبیعی در توزیع جغرافیایی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان صحنه). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۲(۴)، ۷۴۹-۷۳۱.
- ظریفیان، شاپور، و لطیفی، سمیه. (۱۳۹۶). اندازه‌گیری و تحلیل سطح توسعه در نواحی استان همدان. فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، ۴(۳)، ۲۹۸-۲۸۱.
- ضیائی‌ان فیروزآبادی، پرویز؛ انوری، آرزو، و مولایی، محمد. (۱۳۹۴). سطوح توسعه روستاهای مرحمت آباد شهرستان میان‌دوآب. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۱۴)، ۱۴۶-۱۲۹.
- فنی، زهره. (۱۳۸۲). شهرهای کوچک رویکردی دیگر به توسعه منطقه ای. چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- قدیری‌معصوم، مجتبی؛ قراگزلو، هادی؛ احمدی، سجاد و لرستانی، اکبر. (۱۳۹۳). تحلیل فضایی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان بلوران، استان لرستان). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۹(۳)، ۱۶-۱.
- قلیچ، وهاب. (۲۰۱۰). معیارهای عدالت توزیعی مقایسه تطبیقی دیدگاه جان رالز و شهید مطهری. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱(۱)، ۱۶۳-۱۴۵.
- مومنی، مهدی و قهری، غلامرضا. (۱۳۹۲). تحلیلی بر وضعیت توسعه‌ای استان فارس. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۳(۹)، ۶۶-۵۳.
- مرصوصی، نفیسه. (۱۳۸۶). تحلیل جغرافیایی نظریه‌های عدالت اجتماعی. مجله علوم جغرافیایی، ۱۷(۱۰)، ۱۲۴-۱۰۸.
- Aderamo, A., & Aina, J. O. A. (2011). Spatial Inequalities in Accessibility to Social Amenities in Developing Countries. *Journal of Basic & Applied Sciences*, 5(6). 316-322.
- Dufaux, F. (2009). Birth Announcement, Spatial Justice, Retrieved from [www.jssj.org](http://www.jssj.org).
- Fainstein, S. (2014). The just city, *International Journal of Urban Sciences*, (18).1-18.
- Hadder, R. (2000). *Development geography*. routledge, London.
- Harvey, D. (1996). on planning the Ideology of planning, *Planning Theory in the 1980s*, 213.
- Purohit, B.C. (2008). Health and Human Development at Sub-state Level in India. *Journal of Socio-Economics*, 37, 248-260.
- Yu, L., Hou, X., Gao, M., & Shi, P. (2010). Assessment of Coastal Zone Sustainable
- Robinson, W.c. (1975). *Toward socio - economic population planning. population and Development planning*, New York.

**How to cite this article:**

Kamanroudi Kojouri, M., parizadi, T., Mirzazadeh, H. (2023). Spatial analysis of the level of prosperity in rural areas with the approach of distributive justice (case study: villages in the central part of Urmia). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 17(4), 885-899.

**ارجا به این مقاله:**

کمانرودی کجوری، موسی؛ پریزادی، طاهر؛ میرزازاده، حجت. (۱۴۰۱). تحلیل فضایی سطح برخورداری نواحی روستایی با رویکرد عدالت توزیعی (مطالعه موردی: دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان ارومیه). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۷(۴)، ۸۸۵-۸۹۹.



# فصلنامه علمی

مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی